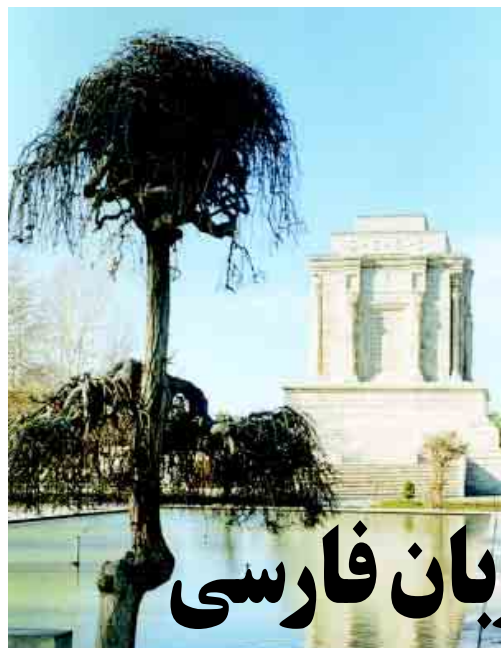


۱- نینبیه بر رئیس مجلس ملی لبنان در بازدید از مجموعه فرهنگی-تاریخی توس به اینده پناهگاه داشت؛ دشور ملحمی (حماصی) عرب در برابر شاهنامه فردوسی (افشل)، است. ایشان تنها یک سیاستمدار و دیپلمات نیست، چه‌راهی است مبارز و نیز دانشگاهی و تاریخ‌شناس، به عنوان یک عرب (با عنایت به پیشینه فارسی‌تبار ایرانی و اعراب) می توان اظهار نظر راوردی تلقی کرد. می دانیم که قوم عرب از آغاز تأکید ویژه ای بر شعر و سخنوری داشته است. حتی در آغاز اسلام کوشش بزرگ‌ترین امم قور در برابر قرآن کریم نیز در درجه نخست به دلیل اعجاز بیانی این کتاب آسمانی بوده است.

۲- لورینس چکنواریان- رهبر ار کستر ملی ارمنستان که قبل از انقلاب در ایران رهبر ار کستر بوده است و از هموطنان ارمنی می باشد برای نگارنده نقل کرد: «پس از پیروزی انقلاب اسلامی و تعطیل مدارس ار کستر فیلارمونیک تهران و بلاتلاک‌بیه هنرمندان، ایشان به ارتزاق سفر می کند و در شرایط سختی از امر معاش فرار می گیرد. آنگاه برای کار به آقای کاشوری ارف موسیقیدان برجسته ارتزاقی مراجعه می کند. او می پرسد چه کارهایی بلدی؟ لورینس اظهار می دارد من کاری در دست اقدام دارم که مربوط به داستان رستم و سهراب از شاهنامه فردوسی است. کارل ارف بلافاصله

می باشد و دیگر هیچ... و با شنیدن تها اثری حماسی و اسطوره ای نیست. این کتاب شگرف که حکیم توسی خود آن را «نامورانه و نامه شهیرانه» به حکیم ناموران و نامه نگاهار کرده، «شکوهء نامیده» علاوه بر حماسه و اسطوره شامل آموزه های اعتقادی و اخلاق و ارزش های فرهنگی و باور داشت های این قوم با دیرینه ای که من توان گفتم این کتاب مانیست ملت ایرانی و قوم آریایی است. به قول مرحوم استاد مجتبی عنون: «به هر روی حماسه ملی ایران سرشار از داستان های زیبا و عبرت آموز، ستایش خرد و خردمندی، توصیه به داد و دادگری و همواره ملت ایران از داشتن چنین کتابی به خود می باله.»... دیگر اینکه فردوسی خداوندگار زبان پارسی است و هم با اسردون و منظوم کردن این متن مشنور و زیباتر کردن و آراسته کردن آن به ایران و ایرانی خدمتی کرده است که تا جهان جهان باشد نه از این میان می رود و نه افروشی از این سخن سفر می کند و در شرایط سختی از امر معاش فرار می گیرد. آنگاه برای کار به آقای کاشوری ارف موسیقیدان برجسته ارتزاقی مراجعه می کند. او می پرسد چه کارهایی بلدی؟ لورینس اظهار می دارد من کاری در دست اقدام دارم که مربوط به داستان رستم و سهراب از شاهنامه فردوسی است. کارل ارف بلافاصله



شامل: معاون اول رئیس جمهور- وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی - وزیر مسکن و شهرسازی- رئیس سازمان میراث فرهنگی- استاندار خراسان- یکی از نمایندگان استان در مجلس شورای اسلامی و قائم مقام تولیت آستان قدس رضوی کار نظارت بر احیای مجموعه فرهنگی تاریخی توس را به عهده می گرفت. ستاد سازاری پروژه به ریاست استاندار با شرکت ۱۵ تن مدیران ارشد استان شامل فرماندار، شهردار، رئیس دانشگاه فرهنگ و معارف کل تربیت معتمدان راهبردی را انتخاب می کردند. یک هیأت اجرایی شامل: مدیر کل میراث فرهنگی، مدیر کل دفتر فنی استانداری، مدیر کل ایرانگردی و جهانگردی، مدیریت مسکن و شهرسازی و محری پروژه عهده دار امور اجرایی می شدند. تمهیدات قانونی این اقدام بزرگ شامل تصویب اسامانه، رایزنی با صاحب نظران و فردوسی شناسان و تشکیل جلسات نخستین هیأت امنای تصویب آیین نامه اجرایی پیش از این ۲ سال زمان تا تکمیل عمل در نیمه دوم ۱۳۷۸ محری پروژه منصوب و ستاد احیای مجموعه فرهنگی - تاریخی توس آغاز به کار کرد.

به ابتکار مجری پروژه، شورای رایزنان فرهنگی پروژه نیز شکل گرفت و آقایان دکتر محمدحاجاد فیزداده مسؤول وقت مرکز گفت و گوی تمدنها، دکتر

هادی خانیکی مشاور رئیس جمهور و معاون فرهنگی وزارت علوم و گفت، دکتر احمد جلالی سفیر جمهوری اسلامی ایران در ویلنوا، آقای احمد مسجدجامعی قائم مقام وقت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و روحانی متحق، حاج شیخ زین‌الله علطاری که بیش از ۲ هزار صفحه تحقیق درباره تبار توس دارد، بر محری پروژه در اولین مسموه جلسه راه‌انداز تصویب شد. به دلیل اهمیت فرهنگی این مهم، تمام هزینه‌ها به عهده آستان افروده شد که پیش‌قدم وزیر فرهنگ و معارف بود. ریاست آقای خانیکی طرح مقرر گردید. هیأت امنای شورای انقلاب فرهنگی ارسال کرد. هیأت اجرایی با برگزاری جلسات منظم به کار مشغول شدند. رئیس جمهور فرهنگ دوست و فرهیخته در سفر به مشهد از پروژه بازدید و همانجا دستور دادند مبلغ ۲ میلیارد ریال جهت تسریع در امر آن تصویب بوجه در اختیارش قرار گیرد. که چنین شد. محری پروژه با مراجعه به مسئولین، در اول ذریعۀ نظیر دکتر احمد پورنجانی رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی و نمایندگان محترم در مجلس شورای اسلامی بودجه نخستین اقدام اساسی را منتهی بر تصویب ریسم نام اعتبار برای پروژه احیای توس به سر رساند. گام بعدی مطرح نمودن پروژه در سطح فراملی بود که این مهم با همیاری دکتر جلالی صورت پذیرفت و مدیرکل بوسکسو طی پیامی اعلام آمادگی جهت همکاری با پروژه را نمود. شوراهای با تالش فراوان دفترچه کلیات طرح پیشنهادی جهت احیای مجموعه فرهنگی - تاریخی توس را تهیه نمودند و کلیات مزبور در جلسه هیأت امنای ریاست رئیس جمهور و با حضور رئیس کل بانک مرکزی به تصویب رسید. بانک مرکزی تعهد نمود پروژه احیای توس را از حیث مالی پشتیبانی نماید. همایش بزرگ در ۲۵ اردیبهشت ۱۳۷۰ روز فردوسی در مشهد برگزار گردید که در آن ۴۲ تن نمایندگان مجلس شورای اسلامی حضور یافتند. وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، وزیر محترم علوم و چندین نماینده از چندین وزارتخانه به همراه شاهنامه پژوهان و فردوسی شناسان در مجلس مزبور حضور یافتند. پیام کمیسیون فرهنگی توسط دکتر دادگوستلی قرائت گردید و آقای سیدجامعی وزیر محترم ارشاد طی سخنانی از مزبور مزبور به عنوان طرحی که می تواند بزرگترین اقدام فرهنگی دوران ریاست جمهوری آقای خاتمی رقم بخورد، برآمد. امید افزوده می شد، خصوصا که همزمان عملیات پژوهشی کار توس به نتایج قابل توجهی رسیده بود و کارشناسان میراث فرهنگی شایسته شایسته شایسته بودند. همزمان با اقدامات اجرایی عمرانی، ستاد شاهنامه پژوهی نیز شکل گرفت که مدیریت آن را ستادوران استاد خانیکی با همکاری به عهده گرفت و در جلسات پژوهشی ماهانه که با استقبال اندیشه‌ورن و دانشگاهیان روبرو گردید، آقای مهندس جیحونی (پروژه کتاب سال صحیح شاهنامه) تدریس می نمود، رایزنان فرهنگی پروژه اعتقاد داشتند شخصیت فردوسی در کشورها، ذاتی استقلال یافته آسمانی میهن چنان جایگاهی دارد که نباید از شاهنامه فرهنگی خویش تلقی خواهند کرد و مثال می زند: شهر ترازادگاه توسنوستی پژوهی به دلیل نام این چهره فرهنگی روسیه تبدیل به یک مرکز عظیم فرهنگی شده است. فردوسی که به مراتب از لوستونی مشهور است و امکان مطرح شدن آن بیشتر... آقای حسین عرسکی که آن زمان نماینده مجلس بود، با حمایت بی دریغ از این پروژه، کمیسیون برنامه و بودجه و انتفاع ستاد به ریسم نام بودجه به تصویب رسد و به نوبت محری پروژه به مشهد آمده و علاقه مند شد دورا را پیشبرد سریع امور مربوط به احیای توس را آغاز نمود. آقای دکتر اسلامی ندوشن با سفر به مشهد و ملاقات با محری پروژه ابراز خوشحالی نمود که چنین اقداماتی در حال انجام است. آقای دکتر توسیوند از پزشکان مقیم خارج از کشور در سفر به مشهد به پیشنهاد فرهنگ و ارشاد و اظهار داشت: علاقه مندان این امر در خارج از کشور بسیارند و ما با اطلاع از این امر اقدام به جمع آوری کمک برای

پیشین نتخواستم در مقام بافتن دلیل برای فروکش کردن پروژه احیای توس به آن اشاره کنم، ممکن است آقای بعضی دوستان کم اطلاع باشد که مثلاً در مشهد(اصاح) چرا باید تکلیفات دیگری علم شود و ممکن است خدای کار کرده مطرح شدن پروژه احیای توس موجب کم توجهی بعضی هموطنان به آستان است این وقت آمده‌ها یکی بدون تمهید مقدمه نمود و در این امر از روی زباید صرف شد و در همان مدت کوتاه نتایج خوبی نیز به دست آمد. تا اینکه سواحه ششمین با دوران تشکیل کابینه دوم آقای خاتمی و استاندار خراسان به صدارت فراخوانده شد. از دیگر سو ساختار تکلیفاتی میراث فرهنگی دچار تحولات گردید، البته دلایل آن دوک در امر خیطر پروژه احیای توس صرفاً در این موارد خلاصه نمی شود. این گزارنده رئیس هیأت امنای به محل بر صحت اینگونه تلقی نماید که به دلیل اینکه در مجلس شورای اسلامی مسأله اعلام دو مدیریت ایرانیگردی، جهانگردی و میراث فرهنگی مطرح گردید بر تقریباً بر این مقلعی وضع بلا تکلیف پیش شد. وزیر عزیمت پشتیبانی اصلی پروژه به تهران موجب گردید قدری روی به کندی گردید. در ادامه خواهام گفت که برای انجام پروژه احیای توس گزینه اصلی کدام است. □□□

بروزه کرده ام و چنانچه مطمئن شوم موضوع به طور جدی دنبال می شود، مطمئناً می توانم دوری کمکهای هموطنان علاقه مند مقیم خارج حساب کنید. آقای ای اقی بعضی دوستان کم اطلاع باشد که مثلاً در مشهد(اصاح) چرا باید تکلیفات دیگری علم شود و ممکن است خدای کار کرده مطرح شدن پروژه احیای توس موجب کم توجهی بعضی هموطنان به آستان است این وقت آمده‌ها یکی بدون تمهید مقدمه نمود و در این امر از روی زباید صرف شد و در همان مدت کوتاه نتایج خوبی نیز به دست آمد. تا اینکه سواحه ششمین با دوران تشکیل کابینه دوم آقای خاتمی و استاندار خراسان به صدارت فراخوانده شد. از دیگر سو ساختار تکلیفاتی میراث فرهنگی دچار تحولات گردید، البته دلایل آن دوک در امر خیطر پروژه احیای توس صرفاً در این موارد خلاصه نمی شود. این گزارنده رئیس هیأت امنای به محل بر صحت اینگونه تلقی نماید که به دلیل اینکه در مجلس شورای اسلامی مسأله اعلام دو مدیریت ایرانیگردی، جهانگردی و میراث فرهنگی مطرح گردید بر تقریباً بر این مقلعی وضع بلا تکلیف پیش شد. وزیر عزیمت پشتیبانی اصلی پروژه به تهران موجب گردید قدری روی به کندی گردید. در ادامه خواهام گفت که برای انجام پروژه احیای توس گزینه اصلی کدام است. □□□

حکیم توس را بر ما حتی عقیم است. نه تنها ما که نسلهای آینده نیز آنگاه ایران، ایران است مدون اویند و نیز در روزگار حاضر به دلیل اهمیت جمهوری اسلامی و به اسلام و اعتقادات مذهبی - از این نگاه نیز وظیفه داریم برای کسی که روزگاری به دلیل همین باورها سخنانی خالصانه تحمل نمود، روزگاران همت نیز بشود و ادای این نمایم که اگر در دیگر روزگاران این زمین و خدمت بزرگ فردوسی مفول مانده بود، در روزگار ما نباید چنین شود و گرنه مشمول این بیت حافظ خواهیم شد که گفته است: هر کسی که کردم، بی می مزد بود و منت - یا این مد که کسی را بخود بی عنایت، و این زبان حکیم توس خواهد بود در این زمانه این بیت قطع از تاریخ پسندیده نیست. یکی از دلایلی که در بخش

حکیم توس را بر ما حتی عقیم است. نه تنها ما که نسلهای آینده نیز آنگاه ایران، ایران است مدون اویند و نیز در روزگار حاضر به دلیل اهمیت جمهوری اسلامی و به اسلام و اعتقادات مذهبی - از این نگاه نیز وظیفه داریم برای کسی که روزگاری به دلیل همین باورها سخنانی خالصانه تحمل نمود، روزگاران همت نیز بشود و ادای این نمایم که اگر در دیگر روزگاران این زمین و خدمت بزرگ فردوسی مفول مانده بود، در روزگار ما نباید چنین شود و گرنه مشمول این بیت حافظ خواهیم شد که گفته است: هر کسی که کردم، بی می مزد بود و منت - یا این مد که کسی را بخود بی عنایت، و این زبان حکیم توس خواهد بود در این زمانه این بیت قطع از تاریخ پسندیده نیست. یکی از دلایلی که در بخش

فردوسی و شاهنامه طی

هزار و اندی سال گذشته برای ایران و ایرانی موجب افتخار، عظمت، ایمنی و سربلندی بوده است. امکان و رواست که با یک بازنگری محتوایی بار دیگر کار سترگ او را در نظر آوریم

پارویی ها:

۱- شاهنامه به تصحیح مصطفی جیحونی - مقدمه ۲- همان ۳- همان ۴- دیوان شمس

آهکی مرایده عمومی

شرکت خدمات بازرگانی جهاد نصر طلایه در نظر دارد، مدعیین آلت مالز اخ خود را به شرح ذیل از طریق مرایده عمومی به فروش برساند. تقاضایان می تواننند از تاریخ ۸۴/۲/۲۵ تا ۸۴/۲/۳۱ از ساعت ۸ صبح تا ۱۶ همه روزه (حتی روز پنجشنبه و جمعه) به نشانی: تهران، کیلومتر ۱۲ جاده مخصوص کرج، روبروی شهرک دانشگاه، مجتمع انبارهای سلطان راجهجو یا در پلاخ مفتح ۳۰۰۰ ریال اوراق مزایا را بخرند و نسبت به باز خرید دستگامهای مورد نظر اقدام نمایند. شرکت کنتدکسان می بایست با یک کپی از پیشنهوات قیمت خود را ذاکترت از ساعت ۸ صبح مور ۸۴/۲/۳۱ تا ۱۶ صبح مور ۸۴/۲/۳۱ در تهران، خیابان شهید مطهری، خیابان میر عماد، کوجه یتر دهم، شماره ۲۳، شرکت خدمات بازرگانی جهاد نصر طلایه تحویل نمایند.

ردیف	نام دستگاه	تعداد	وضعیت بند
۱	بلدورز گومتسو D155.D65	نودر گومتسو W90.W120	گردیدر گومتسو
۲	GD705	گردیدر کتیلر P14G	بیل گمتکی گومتسو PC200
۳	۹۶۲	فلنک هیکو CH47	ذامیر لیستر - بالایر یونی ماک - گمیر سور ۹۰۰
۴	۵۰۶ و ۶۰۰		

تلفن تماس: ۰۲۱-۴۹۰۵۴۵۵

www.jntco.com

روز خداوندگار زبانی فارسی

هادی خانیکی مشاور رئیس جمهور و معاون فرهنگی وزارت علوم و گفت، دکتر احمد جلالی سفیر جمهوری اسلامی ایران در ویلنوا، آقای احمد مسجدجامعی قائم مقام وقت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و روحانی متحق، حاج شیخ زین‌الله علطاری که بیش از ۲ هزار صفحه تحقیق درباره تبار توس دارد، بر محری پروژه در اولین مسموه جلسه راه‌انداز تصویب شد. به دلیل اهمیت فرهنگی این مهم، تمام هزینه‌ها به عهده آستان افروده شد که پیش‌قدم وزیر فرهنگ و معارف بود. ریاست آقای خانیکی طرح مقرر گردید. هیأت امنای شورای انقلاب فرهنگی ارسال کرد. هیأت اجرایی با برگزاری جلسات منظم به کار مشغول شدند. رئیس جمهور فرهنگ دوست و فرهیخته در سفر به مشهد از پروژه بازدید و همانجا دستور دادند مبلغ ۲ میلیارد ریال جهت تسریع در امر آن تصویب بوجه در اختیارش قرار گیرد. که چنین شد. محری پروژه با مراجعه به مسئولین، در اول ذریعۀ نظیر دکتر احمد پورنجانی رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی و نمایندگان محترم در مجلس شورای اسلامی بودجه نخستین اقدام اساسی را منتهی بر تصویب ریسم نام اعتبار برای پروژه احیای توس به سر رساند. گام بعدی مطرح نمودن پروژه در سطح فراملی بود که این مهم با همیاری دکتر جلالی صورت پذیرفت و مدیرکل بوسکسو طی پیامی اعلام آمادگی جهت همکاری با پروژه را نمود. شوراهای با تالش فراوان دفترچه کلیات طرح پیشنهادی جهت احیای مجموعه فرهنگی - تاریخی توس را تهیه نمودند و کلیات مزبور در جلسه هیأت امنای ریاست رئیس جمهور و با حضور رئیس کل بانک مرکزی به تصویب رسید. بانک مرکزی تعهد نمود پروژه احیای توس را از حیث مالی پشتیبانی نماید. همایش بزرگ در ۲۵ اردیبهشت ۱۳۷۰ روز فردوسی در مشهد برگزار گردید که در آن ۴۲ تن نمایندگان مجلس شورای اسلامی حضور یافتند. وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، وزیر محترم علوم و چندین نماینده از چندین وزارتخانه به همراه شاهنامه پژوهان و فردوسی شناسان در مجلس مزبور حضور یافتند. پیام کمیسیون فرهنگی توسط دکتر دادگوستلی قرائت گردید و آقای سیدجامعی وزیر محترم ارشاد طی سخنانی از مزبور مزبور به عنوان طرحی که می تواند بزرگترین اقدام فرهنگی دوران ریاست جمهوری آقای خاتمی رقم بخورد، برآمد. امید افزوده می شد، خصوصا که همزمان عملیات پژوهشی کار توس به نتایج قابل توجهی رسیده بود و کارشناسان میراث فرهنگی شایسته شایسته شایسته بودند. همزمان با اقدامات اجرایی عمرانی، ستاد شاهنامه پژوهی نیز شکل گرفت که مدیریت آن را ستادوران استاد خانیکی با همکاری به عهده گرفت و در جلسات پژوهشی ماهانه که با استقبال اندیشه‌ورن و دانشگاهیان روبرو گردید، آقای مهندس جیحونی (پروژه کتاب سال صحیح شاهنامه) تدریس می نمود، رایزنان فرهنگی پروژه اعتقاد داشتند شخصیت فردوسی در کشورها، ذاتی استقلال یافته آسمانی میهن چنان جایگاهی دارد که نباید از شاهنامه فرهنگی خویش تلقی خواهند کرد و مثال می زند: شهر ترازادگاه توسنوستی پژوهی به دلیل نام این چهره فرهنگی روسیه تبدیل به یک مرکز عظیم فرهنگی شده است. فردوسی که به مراتب از لوستونی مشهور است و امکان مطرح شدن آن بیشتر... آقای حسین عرسکی که آن زمان نماینده مجلس بود، با حمایت بی دریغ از این پروژه، کمیسیون برنامه و بودجه و انتفاع ستاد به ریسم نام بودجه به تصویب رسد و به نوبت محری پروژه به مشهد آمده و علاقه مند شد دورا را پیشبرد سریع امور مربوط به احیای توس را آغاز نمود. آقای دکتر اسلامی ندوشن با سفر به مشهد و ملاقات با محری پروژه ابراز خوشحالی نمود که چنین اقداماتی در حال انجام است. آقای دکتر توسیوند از پزشکان مقیم خارج از کشور در سفر به مشهد به پیشنهاد فرهنگ و ارشاد و اظهار داشت: علاقه مندان این امر در خارج از کشور بسیارند و ما با اطلاع از این امر اقدام به جمع آوری کمک برای

وحدت ملی و انسجام فرهنگی و یکپارچگی کشور و پالایش زبان فارسی و محافظت آن به منزله کافی که از یاد و باران ناپید گردد... همکاران در سخنان شاهنامه پژوهان و فردوسی شناسان آمده است. اما آنچه که در این روزگار یعنی پس از پیروزی انقلاب و استقرار جمهوری اسلامی، کار سترگ فردوسی را بر حسته تر می کند، ویکرد مذهبی و اعتقادی نظام اسلامی به مسائل مهم و ملاتفت است. از این جهت نیز فردوسی پیشتر و در چارچند است. فردوسی با دلآوری تمام به ارادت داشتند با خاندان پیامبر افتخار می کند و در روزگاری که تمصبی کور، بر منطف حکام بوده و شیعیان و مجاهلانی علی را ارضایی نامیده و از حقوق اجتماعی محروم می کردند، فردوسی با شجاعتی کم نظیر می رسد: «یقین دان که خاک بی حیدرم... و در بنی دگر که منسوب به اوست در مقام داورى حمله اعراب به ایران می گوید: اگرچه عرب ز جور حرامی به ما - داد یکنی دین ایرانی به ما...» «حکیم توسی می گوید: من می دانم که در روزگار ستم آلوده است اینگونه سخن گفتن عقوبتی ستمگین در پی ساختن آستانه و محمود که از بی شکرمطمان گریزند و هر چند که در دهه ها در پی ائتین ارتاد خود به خلیفه عباسی، از تعقیب و آزار دگراندیشان دریغ نمی ورانند، چه غیر خودری با حماسه سزای ایستاد و پور دل آن زمین می کرد؟» «به نظر خانیکی داورانیدت های مذهبی فردوسی از آن نگاه خرافت پنهان نامیده بود و علت اصلی «صله» ندادن هموطنان به او در حقیقت همین بود است و بزرگ، وجه المصاحبه بدنه ستان های سیاسی بین سلطان محمود و خلیفه عباسی شد. تا آنجا که به هنگام مرگ گزید انوشیروان او را در گورستان مسلمین ندادند و جنازه او را در گورخانه در ریاع خودش (مکان فعلی آرامگاه) دفن کردند.» «حکیم توسی می گوید: من می دانم که در روزگار ستم آلوده است اینگونه سخن گفتن عقوبتی ستمگین در پی ساختن آستانه و محمود که از بی شکرمطمان گریزند و هر چند که در دهه ها در پی ائتین ارتاد خود به خلیفه عباسی، از تعقیب و آزار دگراندیشان دریغ نمی ورانند، چه غیر خودری با حماسه سزای ایستاد و پور دل آن زمین می کرد؟» «به نظر خانیکی داورانیدت های مذهبی فردوسی از آن نگاه خرافت پنهان نامیده بود و علت اصلی «صله» ندادن هموطنان به او در حقیقت همین بود است و بزرگ، وجه المصاحبه بدنه ستان های سیاسی بین سلطان محمود و خلیفه عباسی شد. تا آنجا که به هنگام مرگ گزید انوشیروان او را در گورستان مسلمین ندادند و جنازه او را در گورخانه در ریاع خودش (مکان فعلی آرامگاه) دفن کردند.» «حکیم توسی می گوید: من می دانم که در روزگار ستم آلوده است اینگونه سخن گفتن عقوبتی ستمگین در پی ساختن آستانه و محمود که از بی شکرمطمان گریزند و هر چند که در دهه ها در پی ائتین ارتاد خود به خلیفه عباسی، از تعقیب و آزار دگراندیشان دریغ نمی ورانند، چه غیر خودری با حماسه سزای ایستاد و پور دل آن زمین می کرد؟» «به نظر خانیکی داورانیدت های مذهبی فردوسی از آن نگاه خرافت پنهان نامیده بود و علت اصلی «صله» ندادن هموطنان به او در حقیقت همین بود است و بزرگ، وجه المصاحبه بدنه ستان های سیاسی بین سلطان محمود و خلیفه عباسی شد. تا آنجا که به هنگام مرگ گزید انوشیروان او را در گورستان مسلمین ندادند و جنازه او را در گورخانه در ریاع خودش (مکان فعلی آرامگاه) دفن کردند.» «حکیم توسی می گوید: من می دانم که در روزگار ستم آلوده است اینگونه سخن گفتن عقوبتی ستمگین در پی ساختن آستانه و محمود که از بی شکرمطمان گریزند و هر چند که در دهه ها در پی ائتین ارتاد خود به خلیفه عباسی، از تعقیب و آزار دگراندیشان دریغ نمی ورانند، چه غیر خودری با حماسه سزای ایستاد و پور دل آن زمین می کرد؟» «به نظر خانیکی داورانیدت های مذهبی فردوسی از آن نگاه خرافت پنهان نامیده بود و علت اصلی «صله» ندادن هموطنان به او در حقیقت همین بود است و بزرگ، وجه المصاحبه بدنه ستان های سیاسی بین سلطان محمود و خلیفه عباسی شد. تا آنجا که به هنگام مرگ گزید انوشیروان او را در گورستان مسلمین ندادند و جنازه او را در گورخانه در ریاع خودش (مکان فعلی آرامگاه) دفن کردند.» «حکیم توسی می گوید: من می دانم که در روزگار ستم آلوده است اینگونه سخن گفتن عقوبتی ستمگین در پی ساختن آستانه و محمود که از بی شکرمطمان گریزند و هر چند که در دهه ها در پی ائتین ارتاد خود به خلیفه عباسی، از تعقیب و آزار دگراندیشان دریغ نمی ورانند، چه غیر خودری با حماسه سزای ایستاد و پور دل آن زمین می کرد؟» «به نظر خانیکی داورانیدت های مذهبی فردوسی از آن نگاه خرافت پنهان نامیده بود و علت اصلی «صله» ندادن هموطنان به او در حقیقت همین بود است و بزرگ، وجه المصاحبه بدنه ستان های سیاسی بین سلطان محمود و خلیفه عباسی شد. تا آنجا که به هنگام مرگ گزید انوشیروان او را در گورستان مسلمین ندادند و جنازه او را در گورخانه در ریاع خودش (مکان فعلی آرامگاه) دفن کردند.» «حکیم توسی می گوید: من می دانم که در روزگار ستم آلوده است اینگونه سخن گفتن عقوبتی ستمگین در پی ساختن آستانه و محمود که از بی شکرمطمان گریزند و هر چند که در دهه ها در پی ائتین ارتاد خود به خلیفه عباسی، از تعقیب و آزار دگراندیشان دریغ نمی ورانند، چه غیر خودری با حماسه سزای ایستاد و پور دل آن زمین می کرد؟» «به نظر خانیکی داورانیدت های مذهبی فردوسی از آن نگاه خرافت پنهان نامیده بود و علت اصلی «صله» ندادن هموطنان به او در حقیقت همین بود است و بزرگ، وجه المصاحبه بدنه ستان های سیاسی بین سلطان محمود و خلیفه عباسی شد. تا آنجا که به هنگام مرگ گزید انوشیروان او را در گورستان مسلمین ندادند و جنازه او را در گورخانه در ریاع خودش (مکان فعلی آرامگاه) دفن کردند.» «حکیم توسی می گوید: من می دانم که در روزگار ستم آلوده است اینگونه سخن گفتن عقوبتی ستمگین در پی ساختن آستانه و محمود که از بی شکرمطمان گریزند و هر چند که در دهه ها در پی ائتین ارتاد خود به خلیفه عباسی، از تعقیب و آزار دگراندیشان دریغ نمی ورانند، چه غیر خودری با حماسه سزای ایستاد و پور دل آن زمین می کرد؟» «به نظر خانیکی داورانیدت های مذهبی فردوسی از آن نگاه خرافت پنهان نامیده بود و علت اصلی «صله» ندادن هموطنان به او در حقیقت همین بود است و بزرگ، وجه المصاحبه بدنه ستان های سیاسی بین سلطان محمود و خلیفه عباسی شد. تا آنجا که به هنگام مرگ گزید انوشیروان او را در گورستان مسلمین ندادند و جنازه او را در گورخانه در ریاع خودش (مکان فعلی آرامگاه) دفن کردند.» «حکیم توسی می گوید: من می دانم که در روزگار ستم آلوده است اینگونه سخن گفتن عقوبتی ستمگین در پی ساختن آستانه و محمود که از بی شکرمطمان گریزند و هر چند که در دهه ها در پی ائتین ارتاد خود به خلیفه عباسی، از تعقیب و آزار دگراندیشان دریغ نمی ورانند، چه غیر خودری با حماسه سزای ایستاد و پور دل آن زمین می کرد؟» «به نظر خانیکی داورانیدت های مذهبی فردوسی از آن نگاه خرافت پنهان نامیده بود و علت اصلی «صله» ندادن هموطنان به او در حقیقت همین بود است و بزرگ، وجه المصاحبه بدنه ستان های سیاسی بین سلطان محمود و خلیفه عباسی شد. تا آنجا که به هنگام مرگ گزید انوشیروان او را در گورستان مسلمین ندادند و جنازه او را در گورخانه در ریاع خودش (مکان فعلی آرامگاه) دفن کردند.» «حکیم توسی می گوید: من می دانم که در روزگار ستم آلوده است اینگونه سخن گفتن عقوبتی ستمگین در پی ساختن آستانه و محمود که از بی شکرمطمان گریزند و هر چند که در دهه ها در پی ائتین ارتاد خود به خلیفه عباسی، از تعقیب و آزار دگراندیشان دریغ نمی ورانند، چه غیر خودری با حماسه سزای ایستاد و پور دل آن زمین می کرد؟» «به نظر خانیکی داورانیدت های مذهبی فردوسی از آن نگاه خرافت پنهان نامیده بود و علت اصلی «صله» ندادن هموطنان به او در حقیقت همین بود است و بزرگ، وجه المصاحبه بدنه ستان های سیاسی بین سلطان محمود و خلیفه عباسی شد. تا آنجا که به هنگام مرگ گزید انوشیروان او را در گورستان مسلمین ندادند و جنازه او را در گورخانه در ریاع خودش (مکان فعلی آرامگاه) دفن کردند.» «حکیم توسی می گوید: من می دانم که در روزگار ستم آلوده است اینگونه سخن گفتن عقوبتی ستمگین در پی ساختن آستانه و محمود که از بی شکرمطمان گریزند و هر چند که در دهه ها در پی ائتین ارتاد خود به خلیفه عباسی، از تعقیب و آزار دگراندیشان دریغ نمی ورانند، چه غیر خودری با حماسه سزای ایستاد و پور دل آن زمین می کرد؟» «به نظر خانیکی داورانیدت های مذهبی فردوسی از آن نگاه خرافت پنهان نامیده بود و علت اصلی «صله» ندادن هموطنان به او در حقیقت همین بود است و بزرگ، وجه المصاحبه بدنه ستان های سیاسی بین سلطان محمود و خلیفه عباسی شد. تا آنجا که به هنگام مرگ گزید انوشیروان او را در گورستان مسلمین ندادند و جنازه او را در گورخانه در ریاع خودش (مکان فعلی آرامگاه) دفن کردند.» «حکیم توسی می گوید: من می دانم که در روزگار ستم آلوده است اینگونه سخن گفتن عقوبتی ستمگین در پی ساختن آستانه و محمود که از بی شکرمطمان گریزند و هر چند که در دهه ها در پی ائتین ارتاد خود به خلیفه عباسی، از تعقیب و آزار دگراندیشان دریغ نمی ورانند، چه غیر خودری با حماسه سزای ایستاد و پور دل آن زمین می کرد؟» «به نظر خانیکی داورانیدت های مذهبی فردوسی از آن نگاه خرافت پنهان نامیده بود و علت اصلی «صله» ندادن هموطنان به او در حقیقت همین بود است و بزرگ، وجه المصاحبه بدنه ستان های سیاسی بین سلطان محمود و خلیفه عباسی شد. تا آنجا که به هنگام مرگ گزید انوشیروان او را در گورستان مسلمین ندادند و جنازه او را در گورخانه در ریاع خودش (مکان فعلی آرامگاه) دفن کردند.» «حکیم توسی می گوید: من می دانم که در روزگار ستم آلوده است اینگونه سخن گفتن عقوبتی ستمگین در پی ساختن آستانه و محمود که از بی شکرمطمان گریزند و هر چند که در دهه ها در پی ائتین ارتاد خود به خلیفه عباسی، از تعقیب و آزار دگراندیشان دریغ نمی ورانند، چه غیر خودری با حماسه سزای ایستاد و پور دل آن زمین می کرد؟» «به نظر خانیکی داورانیدت های مذهبی فردوسی از آن نگاه خرافت پنهان نامیده بود و علت اصلی «صله» ندادن هموطنان به او در حقیقت همین بود است و بزرگ، وجه المصاحبه بدنه ستان های سیاسی بین سلطان محمود و خلیفه عباسی شد. تا آنجا که به هنگام مرگ گزید انوشیروان او را در گورستان مسلمین ندادند و جنازه او را در گورخانه در ریاع خودش (مکان فعلی آرامگاه) دفن کردند.» «حکیم توسی می گوید: من می دانم که در روزگار ستم آلوده است اینگونه سخن گفتن عقوبتی ستمگین در پی ساختن آستانه و محمود که از بی شکرمطمان گریزند و هر چند که در دهه ها در پی ائتین ارتاد خود به خلیفه عباسی، از تعقیب و آزار دگراندیشان دریغ نمی ورانند، چه غیر خودری با حماسه سزای ایستاد و پور دل آن زمین می کرد؟» «به نظر خانیکی داورانیدت های مذهبی فردوسی از آن نگاه خرافت پنهان نامیده بود و علت اصلی «صله» ندادن هموطنان به او در حقیقت همین بود است و بزرگ، وجه المصاحبه بدنه ستان های سیاسی بین سلطان محمود و خلیفه عباسی شد. تا آنجا که به هنگام مرگ گزید انوشیروان او را در گورستان مسلمین ندادند و جنازه او را در گورخانه در ریاع خودش (مکان فعلی آرامگاه) دفن کردند.» «حکیم توسی می گوید: من می دانم که در روزگار ستم آلوده است اینگونه سخن گفتن عقوبتی ستمگین در پی ساختن آستانه و محمود که از بی شکرمطمان گریزند و هر چند که در دهه ها در پی ائتین ارتاد خود به خلیفه عباسی، از تعقیب و آزار دگراندیشان دریغ نمی ورانند، چه غیر خودری با حماسه سزای ایستاد و پور دل آن زمین می کرد؟» «به نظر خانیکی داورانیدت های مذهبی فردوسی از آن نگاه خرافت پنهان نامیده بود و علت اصلی «صله» ندادن هموطنان به او در حقیقت همین بود است و بزرگ، وجه المصاحبه بدنه ستان های سیاسی بین سلطان محمود و خلیفه عباسی شد. تا آنجا که به هنگام مرگ گزید انوشیروان او را در گورستان مسلمین ندادند و جنازه او را در گورخانه در ریاع خودش (مکان فعلی آرامگاه) دفن کردند.» «حکیم توسی می گوید: من می دانم که در روزگار ستم آلوده است اینگونه سخن گفتن عقوبتی ستمگین در پی ساختن آستانه و محمود که از بی شکرمطمان گریزند و هر چند که در دهه ها در پی ائتین ارتاد خود به خلیفه عباسی، از تعقیب و آزار دگراندیشان دریغ نمی ورانند، چه غیر خودری با حماسه سزای ایستاد و پور دل آن زمین می کرد؟» «به نظر خانیکی داورانیدت های مذهبی فردوسی از آن نگاه خرافت پنهان نامیده بود و علت اصلی «صله» ندادن هموطنان به او در حقیقت همین بود است و بزرگ، وجه المصاحبه بدنه ستان های سیاسی بین سلطان محمود و خلیفه عباسی شد. تا آنجا که به هنگام مرگ گزید انوشیروان او را در گورستان مسلمین ندادند و جنازه او را در گورخانه در ریاع خودش (مکان فعلی آرامگاه) دفن کردند.» «حکیم توسی می گوید: من می دانم که در روزگار ستم آلوده است اینگونه سخن گفتن عقوبتی ستمگین در پی ساختن آستانه و محمود که از بی شکرمطمان گریزند و هر چند که در دهه ها در پی ائتین ارتاد خود به خلیفه عباسی، از تعقیب و آزار دگراندیشان دریغ نمی ورانند، چه غیر خودری با حماسه سزای ایستاد و پور دل آن زمین می کرد؟» «به نظر خانیکی داورانیدت های مذهبی فردوسی از آن نگاه خرافت پنهان نامیده بود و علت اصلی «صله» ندادن هموطنان به او در حقیقت همین بود است و بزرگ، وجه المصاحبه بدنه ستان های سیاسی بین سلطان محمود و خلیفه عباسی شد. تا آنجا که به هنگام مرگ گزید انوشیروان او را در گورستان مسلمین ندادند و جنازه او را در گورخانه در ریاع خودش (مکان فعلی آرامگاه) دفن کردند.» «حکیم توسی می گوید: من می دانم که در روزگار ستم آلوده است اینگونه سخن گفتن عقوبتی ستمگین در پی ساختن آستانه و محمود که از بی شکرمطمان گریزند و هر چند که در دهه ها در پی ائتین ارتاد خود به خلیفه عباسی، از تعقیب و آزار دگراندیشان دریغ نمی ورانند، چه غیر خودری با حماسه سزای ایستاد و پور دل آن زمین می کرد؟» «به نظر خانیکی داورانیدت های مذهبی فردوسی از آن نگاه خرافت پنهان نامیده بود و علت اصلی «صله» ندادن هموطنان به او در حقیقت همین بود است و بزرگ، وجه المصاحبه بدنه ستان های سیاسی بین سلطان محمود و خلیفه عباسی شد. تا آنجا که به هنگام مرگ گزید انوشیروان او را در گورستان مسلمین ندادند و جنازه او را در گورخانه در ریاع خودش (مکان فعلی آرامگاه) دفن کردند.» «حکیم توسی می گوید: من می دانم که در روزگار ستم آلوده است اینگونه سخن گفتن عقوبتی ستمگین در پی ساختن آستانه و محمود که از بی شکرمطمان گریزند و هر چند که در دهه ها در پی ائتین ارتاد خود به خلیفه عباسی، از تعقیب و آزار دگراندیشان دریغ نمی ورانند، چه غیر خودری با حماسه سزای ایستاد و پور دل آن زمین می کرد؟» «به نظر خانیکی داورانیدت های مذهبی فردوسی از آن نگاه خرافت پنهان نامیده بود و علت اصلی «صله» ندادن هموطنان به او در حقیقت همین بود است و بزرگ، وجه المصاحبه بدنه ستان های سیاسی بین سلطان محمود و خلیفه عباسی شد. تا آنجا که به هنگام مرگ گزید انوشیروان او را در گورستان مسلمین ندادند و جنازه او را در گورخانه در ریاع خودش (مکان فعلی آرامگاه) دفن کردند.» «حکیم توسی می گوید: من می دانم که در روزگار ستم آلوده است اینگونه سخن گفتن عقوبتی ستمگین در پی ساختن آستانه و محمود که از بی شکرمطمان گریزند و هر چند که در دهه ها در پی ائتین ارتاد خود به خلیفه عباسی، از تعقیب و آزار دگراندیشان دریغ نمی ورانند، چه غیر خودری با حماسه سزای ایستاد و پور دل آن زمین می کرد؟» «به نظر خانیکی داورانیدت های مذهبی فردوسی از آن نگاه خرافت پنهان نامیده بود و علت اصلی «صله» ندادن هموطنان به او در حقیقت همین بود است و بزرگ، وجه المصاحبه بدنه ستان های سیاسی بین سلطان محمود و خلیفه عباسی شد. تا آنجا که به هنگام مرگ گزید انوشیروان او را در گورستان مسلمین ندادند و جنازه او را در گورخانه در ریاع خودش (مکان فعلی آرامگاه) دفن کردند.» «حکیم توسی می گوید: من می دانم که در روزگار ستم آلوده است اینگونه سخن گفتن عقوبتی ستمگین در پی ساختن آستانه و محمود که از بی شکرمطمان گریزند و هر چند که در دهه ها در پی ائتین ارتاد خود به خلیفه عباسی، از تعقیب و آزار دگراندیشان دریغ نمی ورانند، چه غیر خودری با حماسه سزای ایستاد و پور دل آن زمین می کرد؟» «به نظر خانیکی داورانیدت های مذهبی فردوسی از آن نگاه خرافت پنهان نامیده بود و علت اصلی «صله» ندادن هموطنان به او در حقیقت همین بود است و بزرگ، وجه المصاحبه بدنه ستان های سیاسی بین سلطان محمود و خلیفه عباسی شد. تا آنجا که به هنگام مرگ گزید انوشیروان او را در گورستان مسلمین ندادند و جنازه او را در گورخانه در ریاع خودش (مکان فعلی آرامگاه) دفن کردند.» «حکیم توسی می گوید: من می دانم که در روزگار ستم آلوده است اینگونه سخن گفتن عقوبتی ستمگین در پی ساختن آستانه و محمود که از بی شکرمطمان گریزند و هر چند که در دهه ها در پی ائتین ارتاد خود به خلیفه عباسی، از تعقیب و آزار دگراندیشان دریغ نمی ورانند، چه غیر خودری با حماسه سزای ایستاد و پور دل آن زمین می کرد؟» «به نظر خانیکی داورانیدت های مذهبی فردوسی از آن نگاه خرافت پنهان نامیده بود و علت اصلی «صله» ندادن هموطنان به او در حقیقت همین بود است و بزرگ، وجه المصاحبه بدنه ستان های سیاسی بین سلطان محمود و خلیفه عباسی شد. تا آنجا که به هنگام مرگ گزید انوشیروان او را در گورستان مسلمین ندادند و جنازه او را در گورخانه در ریاع خودش (مکان فعلی آرامگاه) دفن کردند.» «حکیم توسی می گوید: من می دانم که در روزگار ستم آلوده است اینگونه سخن گفتن عقوبتی ستمگین در پی ساختن آستانه و محمود که از بی شکرمطمان گریزند و هر چند که در دهه ها در پی ائتین ارتاد خود به خلیفه عباسی، از تعقیب و آزار دگراندیشان دریغ نمی ورانند، چه غیر خودری با حماسه سزای ایستاد و پور دل آن زمین می کرد؟» «به نظر خانیکی داورانیدت های مذهبی فردوسی از آن نگاه خرافت پنهان نامیده بود و علت اصلی «صله» ندادن هموطنان به او در حقیقت همین بود است و بزرگ، وجه المصاحبه بدنه ستان های سیاسی بین سلطان محمود و خلیفه عباسی شد. تا آنجا که به هنگام مرگ گزید انوشیروان او را در گورستان مسلمین ندادند و جنازه او را در گورخانه در ریاع خودش (مکان فعلی آرامگاه) دفن کردند.» «حکیم توسی می گوید: من می دانم که در روزگار ستم آلوده است اینگونه سخن گفتن عقوبتی ستمگین در پی ساختن آستانه و محمود که از بی شکرمطمان گریزند و هر چند که در دهه ها در پی ائتین ارتاد خود به خلیفه عباسی، از تعقیب و آزار دگراندیشان دریغ نمی ورانند، چه غیر خودری با حماسه سزای ایستاد و پور دل آن زمین می کرد؟» «به نظر خانیکی داورانیدت های مذهبی فردوسی از آن نگاه خرافت پنهان نامیده بود و علت اصلی «صله» ندادن هموطنان به او در حقیقت همین بود است و بزرگ، وجه المصاحبه بدنه ستان های سیاسی بین سلطان محمود و خلیفه عباسی شد. تا آنجا که به هنگام مرگ گزید انوشیروان او را در گورستان مسلمین ندادند و جنازه او را در گورخانه در ریاع خودش (مکان فعلی آرامگاه) دفن کردند.» «حکیم توسی می گوید: من می دانم که در روزگار ستم آلوده است اینگونه سخن گفتن عقوبتی ستمگین در پی ساختن آستانه و محمود که از بی شکرمطمان گریزند و هر چند که در دهه ها در پی ائتین ارتاد خود به خلیفه عباسی، از تعقیب و آزار دگراندیشان دریغ نمی ورانند، چه غیر خودری با حماسه سزای ایستاد و پور دل آن زمین می کرد؟» «به نظر خانیکی داورانیدت های مذهبی فردوسی از آن نگاه خرافت پنهان نامیده بود و علت اصلی «صله» ندادن هموطنان به او در حقیقت همین بود است و بزرگ، وجه المصاحبه بدنه ستان های سیاسی بین سلطان محمود و خلیفه عباسی شد. تا آنجا که به هنگام مرگ گزید انوشیروان او را در گورستان مسلمین ندادند و جنازه او را در گورخانه در ریاع خودش (مکان فعلی آرامگاه) دفن کردند.» «حکیم توسی می گوید: من می دانم که در روزگار ستم آلوده است اینگونه سخن گفتن عقوبتی ستمگین در پی ساختن آستانه و محمود که از بی شکرمطمان گریزند و هر چند که در دهه ها در پی ائتین ارتاد خود به خلیفه عباسی، از تعقیب و آزار دگراندیشان دریغ نمی ورانند، چه غیر خودری با حماسه سزای ایستاد و پور دل آن زمین می کرد؟» «به نظر خانیکی داورانیدت های مذهبی فردوسی از آن نگاه خرافت پنهان نامیده بود و علت اصلی «صله» ندادن هموطنان به او در حقیقت همین بود است و بزرگ، وجه المصاحبه بدنه ستان های سیاسی بین سلطان محمود و خلیفه عباسی شد. تا آنجا که به هنگام مرگ گزید انوشیروان او را در گورستان مسلمین ندادند و جنازه او را در گورخانه در ریاع خودش (مکان فعلی آرامگاه) دفن کردند.» «حکیم توسی می گوید: من می دانم که در روزگار ستم آلوده است اینگونه سخن گفتن عقوبتی ستمگین در پی ساختن آستانه و محمود که از بی شکرمطمان گریزند و هر چند که در دهه ها در پی ائتین ارتاد خود به خلیفه عباسی، از تعقیب و آزار دگراندیشان دریغ نمی ورانند، چه غیر خودری با حماسه سزای ایستاد و پور دل آن زمین می کرد؟» «به نظر خانیکی داورانیدت های مذهبی فردوسی از آن نگاه خرافت پنهان نامیده بود و علت اصلی «صله» ندادن هموطنان به او در حقیقت همین بود است و بزرگ، وجه المصاحبه بدنه ستان های سیاسی بین سلطان محمود و خلیفه عباسی شد. تا آنجا که به هنگام مرگ گزید انوشیروان او را در گورستان مسلمین ندادند و جنازه او را در گورخانه در ریاع خودش (مکان فعلی آرامگاه) دفن کردند.» «حکیم توسی می گوید: من می دانم که در روزگار ستم آلوده است اینگونه سخن گفتن عقوبتی ستمگین در پی ساختن آستانه و محمود که از بی شکرمطمان گریزند و هر چند که در دهه ها در پی ائتین ارتاد خود به خلیفه عباسی، از تعقیب و آزار دگراندیشان دریغ نمی ورانند، چه غیر خودری با حماسه سزای ایستاد و پور دل آن زمین می کرد